

پوری‌پدیا PouriPedia

همه‌نمایشگاه‌ها زیر سر ناصرالدین شاه‌بود



پوری‌پا عالمی

● در تاریخ ایران همیشه میل به نمایش‌دادن زیاد بوده است. مثلا داریوش می‌کوبید تا آن‌ور دنیا می‌رفت که کشورگشایی‌اش را نشان دهد. بعد می‌گفت من فقط آمده بودم کشورم را بگشایم و حالا که این کار را کردم، دیگر برمی‌گرم و شما کار خودتان را بکنید.

ناصرالدین‌شاه هم که می‌دانید چه‌کار می‌کرد. در حالی که اگر اهل نمایش‌دادن نبود، می‌توانست به‌جای راه‌انداختن آن دکان، یک کامیون بخرد و شهربه‌شهر برود مسافرت و این‌طوری، هم باعث می‌شد چرخ اقتصاد بچرخد، هم پول را در کشور پخش کند و هم از تمرکز همه امکانات در تهران جلوگیری کند.

دقت کنید، اگر میل ناصرالدین‌شاه به برگزاری نمایشگاه در کاخ نبود، الان همه چیز در تهران متمرکز نشده بود و مثل همه‌جای دنیا، همه امکانات در کشور توزیع شده بود. مثل تجربه موفق سفرهای استانی که کمترین حسش این بود که دست‌کم هفته‌ای چندروز مسئولان در تهران نبودند و تهرانی‌ها آنها را دعا می‌کردند. پس متوجه شدیم برگزاری نمایشگاه در ایران یک ریشه تاریخی دارد.

به همین مناسبت سالی سه هزار نمایشگاه در ایران برگزار می‌شود که عملا هیچ کاربردی ندارد جز اینکه ملت بایند خود را نشان بدهند و بروند. منتها مسئله اینجاست که به نمایش خالی رضایت نمی‌دهند و حتما می‌خواهند چیزی را که نشان می‌دهند، بفروشند.

مثل نمایشگاه کتاب که ناشرها به‌جای اینکه بایند کتاب‌هایشان را نشان بدهند و نشان بدهند، می‌آیند کتاب می‌فروشند و می‌روند. توی نمایشگاه مطبوعات هم همین آش و همین کاسه است.

ما می‌گوییم از اساس نمایشگاه برگزار نکنیم و خلاص. به جاش یک سری جمعه‌بازار برگزار کنیم؛ عین همین که الان ارشاد برگزار می‌کند و هردفعه یک جمعه‌بازار توی شهرهای مختلف برگزار می‌کند تا پول مستقیم برود توی جیب ناشر و تمام. پس دیگر چه‌کاری است؟

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۴ ۱۸ رجب ۱۴۳۶ ۷ می ۲۰۱۵ سال دوازدهم شماره ۲۲۹۴ ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ اذان مغرب ۲۰:۱۵ اذان صبح فردا ۴:۳۰ طلوع آفتاب ۶:۰۶

روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

سازان خادم



کافه نارون VIP

محیطی خاص برای افراد خاص



رژرو

۲۶۱۰۳۹۸۰

نیاوران | مرکز خرید نارون | طبقه همکف | واحد ۷

پارکینگ اختصاصی



لیلی گلستان

حیرت‌انگیز بود کاری که کردند. به‌یکباره بیلبرودهای نصایح تبدیل شد به یک کار درجه‌یک فرهنگی- هنری؛ اقدامی بسیار قابل‌ستایش با نیتی بسیار والا: چشم مردم عادی به دیدن آثار هنری آشنا شود. حالا پیشنهادهای من برای بهترشدن این اقدام بسیار جالب‌توجه:

گفته‌اید سالی ۱۰ روز. من پیشنهاد می‌کنم این کار را برای مدت یک‌سال انجام دهید. آن هم ماهی یک هفته. مثلا هفته اول هرماه. مطمئن باشید که همه منتظر هفته اول هرماه خواهند بود.

ثابتی

روز جهانی خنده‌واتحادیه تولیدکنندگان آینه- شمعدان!



رویا صدر

«اتحادیه تولیدکنندگان آینه-شمعدان و صنف پرورش‌دهندگان گل شمعدانی به پخش سریال شمعدونی اعتراض کرده‌اند». این خبر طنزآمیزی بود که در آستانه جایگزینی سریال «شمعدونی» به‌جای «در حاشیه» در فضای مجازی منتشر شد....

واقعیت این است که در چنددهه اخیر به مرور، ظرف‌رمزهای آثار طنز، تگ‌تر و دایره مقدسات گسترده‌تر و عام‌تر شده و تقدس‌پذیری در فضای رسانه‌های رسمی به امری مسری مبدل شده که دامن خیلی از پدیده‌های اجتماعی و فکری را گرفته که نباید با آنها شوخی کرد و حرمتشان را شکست.

در نتیجه، طنزنویس می‌ماند و سوزده‌های بی‌خطر خانودگی: ماجراهای میان زن و شوهر و باجناق و جاری و دختر ازدواج‌نکرده و کودک بی‌ادب که هیچ‌کدام اتحادیه و صنفی ندارند که عارض شود و با مدیران محترم سیما جلسه بگذارد و توجیهشان کند که سریال را متوقف کنند! این‌روزها مردم عزیز و بافرهنگ ما، می‌توانند پای جنگ‌وجدل‌های خانوادگی و فامیلی بازیگران سریال شمعدونی بنشینند؛ جنگ‌وجدل‌های پیش‌پاافتاده‌ای که چندان عمقی نیز ندارند که بتوانند به دست خرده‌گیرها بهانه بدهند و پای مفاهیم استعاری یا کنایی را در آن باز کنند.... شمعدونی، آینه‌ای است که در برابر ما قرار گرفته تا به تماشای اغراق‌آمیز سوز،رفتارهایی چون گوش‌ایستادن، تقلب، دروغ و لوس‌کردن بچه بنشینیم بدون اینکه از طریق ایجاد موقعیت طنز وادارمان کند که از سوزده فاصله انتقادی بگیریم و به اصلاح‌گری که هدف طنز است، برسیم یا در لذت تماشای یک اثر طنز خلاقانه با یکدیگر شریک شویم و لبخندی بر لبمان بیاید.... حرف لبخند شد، یادم آمد که اولین یکشنبه ماه می (۱۳ اردیبهشت)، روز جهانی خنده بود. اولین جشن در ۱۱ ژانویه ۱۹۹۸، در بمبئی هند برگزار شد و بنیان‌گذار حرکت یوگای خنده به قصد بیداری جهانی برای برادری و دوستی از راه خند، آن را به راه انداخت.

اگرچه در دنیای آشفته امروز، عبارت صلح جهانی و دوستی از راه خنده، به یک شوخی تلخ سوررئالیستی می‌ماند ولی در حد ارائه این پیام که خنده می‌تواند حامل انرژی مثبت باشد، ارزشمند است.... راستش من در گیرودار روزمرگی‌های زندگی، روز جهانی خنده را فراموش کردم.

حتی سر تماشای سریال طنز شمعدونی هم به یاد خنده و بالطبع روزی که به یادش نام‌گذاری شده است، نیفتمادم.... باشد که در روزهای پیش‌رو، در روزهای خوبی که لزوما روز جهانی خنده هم نیست، در این سریال (که دست‌اندرکارانش از چهره‌های خوب طنز امروز ما هستند) و دیگر سریال‌های طنز ما، اتفاق‌های شیرینی رقم بخورد؛ اتفاق‌هایی که شیرینی آن، با برخورد‌های برخی که در پس هر شوخی، دنبال طوطه و توهینی می‌گردند، تلخ نشود....

واکنش

اقدام انقلابی

۴۰ کیلومتر در ساعت در بزرگراه می‌روییم! اسامی هنرمندان خارجی درست نوشته شود. «پیل کله» را «پیل کلی» یا موزه «لئوپولد» را «لئوپارد» بنویسند. این می‌شود اطلاعات غلط‌دادن و به‌نوعی بدآموزی، که حیف است کار به این قشنگی یا یک بی‌دقتی خدشه‌دار شود.

در آخر پیشنهاد می‌کنم با پلیس تهران قرارداد ببندید که اگر کسی با محوشدن در یک نقاشی زیبا تصادف کرد، جریمه‌اش نکنند! باز هم به مجریان این فکر درخشان به سهم خودم تبریک می‌گویم.

گزارش فردا

افزایش تعداد خودکشی یا انتشار آسان اخبار؟

مختلف جامعه است، گروهی که با دولت همراه نیستند، بذر ناامیدی را با انتشار چنین اخباری پرورش می‌دهند وگرنه نه موضوع خودکشی تازه است و نه کسی از افزایش میزان آن در جامعه بی‌خبر مانده.» مهدی محسنیان‌راد، استاد

ارتباطات، از منظری دیگر بررسی می‌کند: «اگر فارغ از اینکه در دانشکده‌های ارتباطات وظیفه رسانه را چطور تعریف می‌کنند،

بخواییم به مدل مشهوری در زمینه جایگاه و نقش رسانه‌ها اشاره کنیم، دو رویکرد می‌تواند پاسخ‌گوی سؤال شما باشد: اول اینکه رسانه‌ها مثل آینه‌ای منعکس‌کننده شرایط جامعه هستند و دوم اینکه رسانه‌ها همچون تابلوهای راهنمایی‌وراندگی، به رفتارهای عمومی جامعه جهت می‌دهند. در این بستر، پیش از اینکه سؤال اساسی این باشد که «آیا سانسور اخبار خودکشی کم شده است یا نه؟» باید سؤال را تغییر داد و پرسید اصولا چرا در شرایط فعلی، خودکشی در جامعه زیاد شده است. فارغ از نگاه‌های جامعه‌شناسی، مردم براساس آن بخش کوچکی از اتفاقات که در اخبار رسانه‌ها بازتاب پیدا می‌کنند، درباره وضعیت نگران‌کننده خودکشی در جامعه آگاهی دارند و طبعاً سؤال اساسی‌شان به این حوزه مربوط می‌شود نه سانسور یا عدم سانسور اخبار خودکشی.» او اضافه می‌کند: «در جامعه‌ای که افراد در صحنه رسانه‌ها مدام انواع تعارض‌ها و تضادها را از ساده‌ترین سطح تا بالاترین سطوح اداره جامعه ملاحظه می‌کنند، طبعاً افزایش میزان خودکشی قابل‌قبول است. سال‌ها پیش امیل دورکیم با یک تحقیق آماری روی متوفیان کلیساهای مختلف دریافت که بی‌سامانی شرایط اجتماعی، اصلی‌ترین عامل افزایش خودکشی است که خصوصی‌ترین رفتار فردی در یک جامعه به‌شمار می‌رود. آشفته‌گی جامعه ما که صد سال است در حال عبور از ست به مدرنیته هستیم، گواه این است که مسئله خودکشی نیازمند سؤالی بنیادی‌تر از پرسیدن درباره جرایم و چگونگی انتشار اخبار آن است.»

شبکه‌های اجتماعی

درخواست کمک به سبک ستاره‌های سینما

به دست مردم برسانید». میسی الیوت، بازیگر آمریکایی در توییتر نوشت: «برای خانواده‌های نپال در این زمان دلخراش دعا کنیم. مندی مور، بازیگر آمریکایی هم با ایترز محبت به بازماندگان حادثه نپال نوشت: « محبت، دعا و تمام فکر من پیش زلزله‌زدگان نپال است». آلیشیا بث‌مور، برنده سه جایزه گرمی هم از هوادارانش در توییتر خواست که به کمک بشتابند: «کودکان و خانواده‌های آسیب‌دیده نیازمند کمک شما هستند می‌توانید با اهدای ۱۰ دلار به یونیسف برای کمک پیش‌قدم شوید.» در این بین ستاره‌های سینمای بالیوود هم تلاش داشتند تا از رقبای خود در سینمای هالیوود عقب نیفتند؛ اکثر ستاره‌های مشهور این سینما مانند آنیل کاپور، دیا میرزا و ویر داس تلاش کردند با راه‌اندازی کمپین‌های آنلاین، هواداران خود را به کمک برای مردم نپال تشویق کنند.

میراث فردا

کتابخانه‌های زنجیره‌ای برای بهمن‌بیگی

شرق: محمد بهمن‌بیگی برای عشایر نامی آشناست. بهمن‌بیگی را پدر تعلیمات عشایر ایران هم نامیده‌اند؛ همان مردی که کلاس‌های درس را زیر آسمان و در چادرهای سیاه، درون آلاچیقی از نی با تیرک‌های سفید و طناب‌های پشمین برگزار کرد؛ همان مردی که جوانان بااستعداد عشایر، شهرها و روستاهای فارس را شناسایی کرد و به‌عنوان معلم آموزش داد. مردی که نامش به‌عنوان مؤسس دانش‌سرای عشایر ماندگار شد اصرا راو برای آموزش دختران هیچ‌گاه پایانی نداشت. حالا در این‌روزها و به مناسبت بزرگداشت او پیشنهادی داده شده است؛ رئیس مرکز اسناد و کتابخانه ملی فارس خواستار برگزاری مراسم ویژه‌ای در سال ۱۳۹۹، به مناسبت صدمین سالگرد میلاد بهمن‌بیگی شد و پیشنهاد داد: «باید کتابخانه‌های زنجیره‌ای بهمن‌بیگی چون چادرهایش در گستره ایران‌زمین ساخته شود؛ یک راه ساده برای بزرگداشت این مرد.

